

هستی‌شناسی دفاع مقدس از دیدگاه امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۵/۲۸

دکتر علی کریمی مله^۱

چکیده

کاوش دیدگاه‌های امام خمینی (ره) نشان می‌دهد هستی‌شناسی دفاع مقدس، از منظومه هستی‌شناسی کلان دینی و انسان‌شناسی عرفان‌گرای امام نشأت می‌گیرد که معنای جنگ را مرتبط با شناخت هستی و ابعاد وجودی انسان و ضرورت نیل به سعادت حقیقی از طریق تهذیب نفس می‌داند. یکی از مهم‌ترین ابعاد هستی‌شناسی دفاع مقدس از منظر امام خمینی (ره) که آن را علیرغم پیامدهای دهشت‌زاه و اجده بار معنایی مثبت می‌سازد، رویکرد کارکردگرایانه عرفانی، معناگرا و چندوجهی، تلفیقی این جهانی و آن‌دنیایی و توجه به کارکردهای مثبت و سازنده آن از نظر سیاسی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی و معنوی است.

این مقاله که با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی آثار مکتوب امام (ره) به نگارش درآمده، بر این پرسش اصلی متمرکز است که هستی‌شناسی دفاع مقدس در سپهر آرای امام خمینی (ره) چیست و پایه‌های معرفتی آن کدام است؟

کلید واژه‌ها: دفاع مقدس، جنگ، هستی‌شناسی، امام خمینی (ره)، کارکردگرایی،

معناگرایی

یکی از رخدادهای بااهمیت، هویت‌ساز و فراموش‌ناشدنی تاریخ معاصر ایران که یادآور رشادتهای ایثارگرانه فرزندان این مرز و بوم بوده و الهام‌بخش ارزش‌های والای دینی و اخلاقی و نمایانگر سبک‌های بی‌بدیل رزم و حماسه‌سازی و عرضه‌الگوی جامعی برای پیروی از جلوه‌های عملی فرهنگ اسلامی در رفتار و عملکرد پاک‌ترین و مقاوم‌ترین نسل از انسان‌های مومن و مشتاق جهاد در راه خدا می‌باشد، دفاع مقدس ملت ایران است.

جنگ پدیده‌ای نامطبوع قلمداد می‌شود که معمولاً در وهله نخست همه تدابیر برای پرهیز از آن و در گام‌های بعدی تمامی منابع و شیوه‌ها برای کسب پیروزی در آن جستجو می‌شود. اما از موضعی کارکردگرایانه و معرفت‌شناسی متأثر از آموزه‌های دینی و مذهبی، این پدیده تعریفی متفاوت پیدا می‌کند و نه تنها از وجه خسارت‌بار آن غفلت نمی‌شود بلکه کارکردهای فردی و جمعی، سیاسی، معنوی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی آن چنان برجستگی پیدا می‌کند که ابعاد منفی و هزینه‌های آن را در محاق قرار می‌دهد و به مثابه پدیده‌ای مثبت، شناخته می‌شود.

از جمله اندیشه‌ورزان و سیاستمدارانی که دیدگاه‌های او در باره دفاع مقدس حائز اهمیت است، امام خمینی (ره) است که در مقام نظر و عمل، جنگ تحمیلی را از آغاز تا پایان رهبری و با سرانجامی کامیاب به پایان رساندند. حضرت امام خمینی (ره) دیدگاه‌های جامعی درباره دفاع مقدس دارند که هر کدام زاویه‌ای از این رخداد بزرگ را رازگشایی می‌کنند و بخش مهمی از منظومه فکری ایشان درباره جنگ را وا می‌گویند. این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی و با استناد به واحد تحلیل عبارت، جمله‌ها و گزاره‌های امام خمینی (ره) که ناظر به تعریف جنگ تحمیلی است، درصد پاسخ‌گویی به این پرسش است که هستی‌شناسی دفاع مقدس از دیدگاه امام خمینی (ره) چیست؟ و با استناد به کدام منابع معرفتی می‌توان آن را توضیح داد؟ فرضیه مقاله در



قالب این گزاره بیان می‌شود که "با تکیه بر منظومه هستی‌شناسی کلان دینی و انسان‌شناسی امام(ره)، هستی‌شناسی جنگ تحمیلی در فهم کارکردگرایانه عرفان مشرب و دین محور امام ریشه دارد و با ویژگی‌هایی چون رحمت، خیر، تحفه الهی، برکت، نعمت، ثمربخش و با عظمت و پرشکوه وصف می‌شود" و خاستگاه فکری آن، هستی‌شناسی دین محور و رویکرد عرفانی و معناگرا نسبت به آموزه‌های دینی است. برای رسیدن به اهداف، نگاشته نخست بحثی نظری در خصوص هستی‌شناسی و خاستگاه آن را دنبال می‌کند سپس هستی‌شناسی دفاع مقدس از موضع امام خمینی(ره) کاویده می‌شود و سپس مبانی معرفتی این هستی‌شناسی در آرای امام بررسی می‌گردد.

مبحث نظری: مفهوم‌شناسی هستی‌شناسی

آنتولوژی، هستی‌شناسی یا وجودشناسی^۱ ترکیبی از دو واژه آنتو به معنی هستی و لوژی به معنی مطالعه و شناخت است و هستی‌شناسی شرحی است عام از این که چه چیزی وجود دارد و چگونه عمل می‌کند. هستی‌شناسی به مثابه بنیادی‌ترین اندیشه‌ها درباره سرشت غایی یا جوهره چیزها یعنی ساختار جهان واقعی، شاخه‌ای از دانش فلسفه است که به مطالعه چیستی هستی، مطالعه بودن، هستی یا وجود می‌پردازد (قرلسفلی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). این شاخه از دانش در پی تشخیص و شرح رده‌های بنیادین و ارتباطات آنها در هستی یا عالم وجود برمی‌آید، تا بدین وسیله به تعریف موجودات و انواع آنها در آن چارچوب قادر گردد. از این رو هستی‌شناسی، مطالعه فلسفی سرشت بودن، وجود یا واقعیت به طور کلی و نیز مقوله‌های عمده بودن و روابط آنهاست. هستی‌شناسی به صورت سنتی بخشی از شاخه عمده فلسفه متافیزیک به حساب می‌آید که با پرسش‌های مربوط به چیستی موجودات، انواع، مقوله‌بندی؛ سلسه مراتب و زیرشاخه‌ها، تفاوت‌ها و شباهت‌های موجودات سر و کار دارد. هستی‌شناسی با آنچه که وجود دارد، آنچه



واقعیت است و آنچه واقعیت جهان است ارتباط دارد. هستی‌شناسی به مطالعه خود هستی پرداخته و بین وجود واقعی و نمود، تفاوت قائل می‌شود. پرسش‌های هستی‌شناختی دربرگیرنده پرسش‌هایی است که به حوزه واقعیت، جهان و هستی معطوف هستند. پرسش‌هایی نظیر: شکل و ماهیت واقعیت چیست؟ چه چیزی وجود دارد که می‌توان در مورد آن شناخت حاصل کرد؟ برای مثال اگر یک جهان واقعی فرض می‌شود آنچه می‌توان درباره آن دانست این است که اشیا واقعاً چگونه هستند و چه طور کار می‌کنند؟ پس تنها آن دسته از پرسش‌هایی که در ارتباط با موجودیت واقعی و کنش واقعی هستند قابل بررسی هستند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۳).

بدین ترتیب، پرسش‌های هستی‌شناسانه از دغدغه‌های نخستین، پیوسته و پایان ناپذیر بشر بوده و دارای ماهیت متافیزیکی هستند (هارتمان، ۱۳۹۰: ۷). هستی‌شناسی مفهوم دشواری است و بالطبع پاسخ‌گویی به پرسش‌های هستی‌شناسانه نیز همواره دشوار بوده است و این موضوع در خصوص موضوعات اجتماعی دشوارتر می‌شود؛ زیرا فهم ماهیت و جوهر واقعیات اجتماعی مبنایی، سخت است... بویژه فهم این ایده که دارا بودن دیدگاه یا وضعیت هستی‌شناختی امکان‌پذیر است می‌تواند کاملاً مشکل باشد، چرا که ممکن است گونه‌های متفاوتی از ماهیت و جوهر واقعیات اجتماعی وجود داشته باشد. گونه‌هایی که ممکن است از نظر منطقی با یکدیگر در رقابت باشند (صادقی فسایی و ناصری راد، ۱۳۹۰: ۸۱). هستی‌شناسی عبارت است از نظریه‌ای عام درباره اینکه چه نوع چیزها یا جوهره‌هایی در جهان وجود دارند و اشاره به گستره‌ای از هستی‌ها و روابطی است که درون حوزه‌ای خاص از معرفت و تخصص علمی پذیرفته می‌شود. هر حوزه معرفت، هستی‌شناسی خاص خود را برای طبقه‌بندی و توصیف انواع چیزها و روابط یا فرایندهایی دارد که آن حوزه با آنها سر و کار دارد و همین انواع چیزهاست که هستی‌شناسی در پی شناساندن آنهاست (بنتون و کرایب، ۱۳۸۴: ۲۱-۲۳). پرسش کلیدی هستی‌شناسی این است که آیا جهانی

واقعی، مستقل از شناخت ما در بیرون وجود دارد؟ پرسش‌های هستی‌شناختی پرسش‌هایی درباره ماهیت واقعیتند که هم ناظر به واقعیت‌های فیزیکی (مانند مانیتور، کامپیوتر و ...) و هم درباره واقعیت اجتماعی مثل جنگ می‌باشد.

هستی‌شناسی در چارچوب نگره‌ای شناختی در سده هفدهم به عنوان شاخه‌ای از متافیزیک سربرآورد و این پرسش را مطرح کرد که آنچه وجود دارد چیست؟ و دارای چه ماهیتی است؟ طبق این ملاحظات، دو دیدگاه هستی‌شناسی شکل گرفت: یکی مادی‌گرا و دیگری ایده‌آلیست یا معنا محور. به طور خلاصه، هستی‌شناسی به دیدگاه و جهان‌بینی نسبت به ماهیت وجود موجودات هستی اشاره دارد و این را با فرضی مادی‌گرا یا ایده‌آلیستی پاسخ می‌دهد. یونانیان از واژه کیهان‌شناسی برای توصیف آن استفاده می‌کردند (فزلسفلی، ۱۳۸۶: ۱۲۳-۱۲۴).

هستی‌شناسی دارای انواع گوناگون است. در یک طبقه بندی بسیار عام، موضع هستی‌شناسی به دو دسته هستی‌شناسی واقع‌گرا و هستی‌شناسی ایده‌آلیستی تقسیم می‌شود. هستی‌شناسی ایده‌آلیست فرض می‌کند آنچه ما به عنوان جهان بیرونی تلقی می‌کنیم و با آن به اشکال مختلف تعامل داریم تنها اشکال و جلوه‌های صوری و ظاهری بیش نبوده و موجودیتی مستقل و جدا از افکار و ایده‌های ما انسان‌ها ندارند. انسان‌ها واقعیت‌ها و جهان‌های اجتماعی را آن طور که می‌خواهند، می‌بینند و تفسیر می‌کنند نه آن طور که واقعاً وجود دارند. به بیان دیگر، از منظر هستی‌شناسی ایده‌آلیست، جهان بیرونی محصول بازنمایی‌ها و تجلیاتی است که افکار و اذهان انسان‌ها به وجود آورده است. به عبارت دیگر، آنچه به عنوان امر واقعی تلقی می‌شود، صرفاً به این دلیل واقعی است که بر اساس تصور ما واقعی تعریف می‌شود. واقعیت چیزی است که انسان‌ها می‌سازند، می‌آموزند، آن را منتقل کرده و دگرگون می‌سازند. بر همین اساس، واقعیت حاصل فعالیت سوژه‌های خلاق، بازاندیش و سازنده است. به بیان دیگر، اندیشه‌های ذهنی به طور ضمنی بیانگر چیزهایی هستند که از سوی افراد معتقد به آن واقعی محسوب می‌شوند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۵-۴۲). در مقابل، هستی‌شناسی واقع‌گرا بر این فرض استوار



است که هم پدیده‌های اجتماعی و هم طبیعی موجودیتی دارند که از فعالیت‌های به طور عام و مشاهده‌گر به طور خاص مستقل است (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۶). به دیگر سخن، موجودیت‌های اجتماعی اعم از ساختارها و کنش‌ها هم از نظر وجودی و هم از حیث عملکردی مستقل از برداشت‌ها و فهم انسان‌ها وجود دارند و بنیادی‌ترین واقعیت مورد بررسی در مطالعات را واقعیات مادی قابل مشاهده تشکیل می‌دهند (قرلسفلی، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

منظومه هستی‌شناسی هر متفکری او را به سوی نظام شناخت‌شناسی، روش‌شناسی و انسان‌شناسی ویژه‌ای دلالت می‌کند. مثلاً هستی‌شناسی جنگ به منزله یک پدیده جزئی، تابعی از منظومه کلان هستی‌شناسی اندیشه‌ورزان و بیان جایگاه پدیده‌ها و انسان و خدا و رابطه بین آنها در آن نظام اندیشه‌گی است. با این توضیح که انسان‌شناسی، دانش انسان متناهی درباره خویش است (قرلسفلی، ۱۳۸۶: ۱۲۵). اما این که به انسان چگونه نگریسته می‌شود و چه نسبتی بین انسان و هستی و خالق هستی برقرار می‌شود برآمده از نظام هستی‌شناسی و جهان بینی متفکر است. در هستی‌شناسی مدرن، انسان موجودی شناسنده، دارای خرد خودبنیاد، موجودی خودسامان و در مرکز هستی معرفی می‌شود و انسان‌شناسی سنتی را در محاق قرار می‌دهد و یا در انسان‌شناسی پسامدرن، با شالوده‌شکنی از بسیاری از اصول مدرنیته، کنش‌گری انسان و فاعل شناسا و استقلال ذهن در پرتو ساختارگرایی و پساساختارگرایی نفی و انکار می‌شود (علیپوریانی و نوری، ۱۳۹۰: ۲۲۷)، البته چنین نگرش انسان‌شناختی نسبتی با انسان‌شناسی دینی که ملهم از هستی‌شناسی دینی است ندارد. در اینجا قصد ما بیان تفاوت‌های انسان‌شناسی دینی با لیبرال نیست، بلکه بیان این نکته است که انسان‌شناسی تابعی از منظومه هستی‌شناسی عام و کلان اندیشه‌ورزان است و همین نسبت بین هستی‌شناسی جزئی پدیده‌های اجتماعی با هستی‌شناسی صاحب‌نظران وجود دارد. با این ملاحظه، فهم و بیان هستی‌شناسی دفاع مقدس به عنوان مسأله‌ای اجتماعی موضوعیت می‌یابد که در بخش بعدی این نوشتار به بررسی این موضوع می‌پردازیم.



امام خمینی(ره) و هستی‌شناسی دفاع مقدس

نگرش امام خمینی(ره) به معنای جنگ مرتبط با نگرش ایشان به مسائلی چون شناخت هستی، و انسان، ابعاد وجودی او، ضرورت راهیابی‌اش به سوی سعادت راستین و حقیقی از طریق تهذیب نفس، سلوک، تزکیه، تعلیم و تربیت و ارتباط کلی انسان با جهان هستی و انسان‌های دیگر است (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۱۲). در نظام هستی‌شناسی امام(ره) همه مفاهیم، کنش‌ها و باورها معطوف به سعادت انسان در نظر گرفته می‌شود. حتی واژه‌ای مانند سیاست نیز از معنای متعارف خود منتزع و بار معنایی تازه‌ای معطوف به سعادت و هدایت انسان‌ها می‌یابد. به بیان دیگر، سیاست علم، هنر و معرفت یا کنشی خنثی نیست که صرفاً بیانگر تدبیر کردن یا اداره کردن و مدیریت و ... باشد بلکه دارای جهت‌گیری مشخصی است و جهت‌گیری آن نیز به سمت سعادت می‌باشد (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۱۳). در منظومه معرفتی امام خمینی(ره) اگر سیاست به معنای فعل و کنش مدنظر باشد، عبارت از کنشی معطوف به تهذیب سلوک و اخلاق و سلوک با دیگران و انجام افعال نیک که به مصلحت مردم است و سعادت دو جهانی آنها را تأمین می‌کند، تعریف می‌شود (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۱۴).

متأثر از هستی‌شناسی کلان امام(ره) جنگ، معنا و توضیح داده می‌شود. هستی‌شناسی جنگ از دیدگاه امام با تعریف آن در رشته روابط بین‌الملل، سیاست و جامعه‌شناسی سنخیت ندارد و از منظری متفاوت معنا می‌شود و از وجوه و مناظر گوناگون برخوردار است. یکی از ابعاد هستی‌شناسانه جنگ تحمیلی از منظر امام خمینی(ره) غایت‌شناسی جنگ است که خود در منظومه هستی‌شناسی کلان ایشان جایگاه رفیعی دارد. در این بُعد، جنگ کنشی ناظر به مطامع نفسانی این جهانی نیست بلکه کنشی هدفدار در منظومه خلقت برای اصلاح و هدایت مردم و زمینه‌سازی برای اجرای تعالیم الهی تعریف می‌شود. ایشان در اینباره می‌فرمایند: «مقصد انبیا از کوشش‌ها و جنگ‌هایی که با مخالفین خود می‌کردند کشورگشایی و اینکه قدرت را از خصم بگیرند و در دست خودشان باشد نبوده، بلکه مقصود این



بوده که یک نظام عادلانه به وجود آورند تا به وسیله آن احکام خدا را اجرا نمایند، بلکه مقصود اصلی این بوده که انسان‌ها را از راه ضلالت و شقاوت نجات داده و به راه انسانیت رهنمون گردند» (صحیفه نور، ۱۳۶۱، ج ۲۱: ۱۷۸).

یکی دیگر از وجوه هستی‌شناسی جنگ تحمیلی از دید امام خمینی (ره) تأکید بر ماهیت دفاعی آن است. امام، پدیده تجاوز دشمنان به ایران را دفاع نامیدند و برای تصریح منظور خویش به دفعات اصطلاح جنگ تحمیلی یا دفاع مقدس را برای توصیف تجاوز صدام به ایران به کار بردند. به عنوان مثال در مناسبتی فرمودند: «عراق با ما الآن ملت‌هاست دارد حمله می‌کند و ما هیچ حمله‌ای به آنها نمی‌کنیم. آنها حمله می‌کنند ما دفاع می‌کنیم» (تبیان، ۱۳۸۳: ۳۷). در قسمتی دیگر اظهار داشتند: «اولاً ما به تبع اسلام با جنگ همیشه مخالفیم و میل داریم که بین همه کشورها آرامش و صلح باشد. لکن اگر جنگ را بر ما تحمیل کنند ما تمام ملت‌مان جنگ‌جوست و با تمام قوا مقابله می‌کنیم ولو اینکه همه ابرقدرت‌ها هم دنبال او باشد» (تبیان، ۱۳۸۳: ۴۱).

تحمیلی و ناخواسته بودن جنگ از مضامین مکرر بیانات ایشان برای اثبات دفاعی بودن جنگ بوده است. چنانکه فرموده‌اند:

«این جنگ به کشور ایران تحمیل شده و ما از کشور خود دفاع می‌کنیم دفاعی که عقلاً و شرعاً واجب است» (تبیان، ۱۳۸۳: ۴۰). «جنگ ما دفاع است هجوم نیست» (تبیان، ۱۳۸۳: ۴۶).

«ما هیچ وقت سر دعوا با کسی نداشتیم. ما برای حفظ اسلام دفاع باید بکنیم، برای حفظ مملکت اسلامی دفاع باید بکنیم. او حمله کرده است و آمده است و شهرهای ما را گرفته است و خرابکاری دارد می‌کند. بر همه ما واجب است که این شر را از سر مسلمان‌ها دفع کنیم» (تبیان، ۱۳۸۳: ۴۴).

ایشان در مناسبت‌های گوناگون ضمن تکیه بر ماهیت دفاعی کنش ایرانیان آن را امری عقلی (تبیان، ۱۳۸۳: ۴۸)، تکلیف شرعی (تبیان، ۱۳۸۳: ۴۵)، مطابق با احکام خدا و قرآن (تبیان، ۱۳۸۳: ۴۲)، دفاع از اسلام و مصالح مسلمین (تبیان، ۱۳۸۳: ۴۴)، عامل توقف دشمن (تبیان، ۱۳۸۳: ۴۶)، راه تأدیب تجاوزگر (تبیان، ۱۳۸۳:

۴۷)، شیوه‌ای برای خروج از سلطه دشمن (تبیان، ۱۳۸۳: ۵۸)، و دارای صبغه عبادی (تبیان، ۱۳۸۳: ۱۰۷) قلمداد نمودند.

تکیه بر ماهیت کفرستیزی دفاع مقدس و توصیف عرصه نبرد به میدان رویارویی اسلام و کفر و نبرد حق و باطل از دیگر ابعاد هستی‌شناسی جنگ تحمیلی از نظر امام خمینی (ره) است. امام خمینی (ره) که با دقت و تیزبینی تمام رفتارهای رژیم صدام را رصد می‌نمود و از انگیزه‌های آن به خوبی آگاهی داشت، با انگیزه‌خوانی رژیم صدام، رفتار و کنش تجاوزگرانه آن را تلاش برای مقابله با اسلام و احکام و قوانین اسلامی معرفی کرد و جنگ تحمیلی را تقابل اسلام و کفر شناخت. ایشان در این رابطه فرمودند:

«ما حزب بعث عراق را می‌شناسیم و می‌دانیم که این‌ها به اسلام عقیده ندارند و دشمن اسلامند و اسلام را خار راه خویش می‌دانند و صدام حسین این جنگ را بر ملت مسلمان ایران تحمیل کرد. ما کسانی را که از اصول اسلام و قرآن کریم انحراف حاصل می‌کنند و به قتل عام مسلمانان می‌پردازند را مسلمان نمی‌دانیم... و شما - رزمندگان - برای حفظ اسلام دارید جنگ می‌کنید و صدام برای نابودی اسلام، الآن اسلام به تمامه در مقابل کفر واقع شده است» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۱۹۷ و ج ۱۵: ۵۳).

ایشان در فراز دیگری از فرمایشات خود، جنگ تحمیلی را مظهر جنگ اعتقادی و تبلور ایستادگی ملت ایران در برابر ستم تجاوزکاران دانسته و فرمودند: «این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزش‌های اعتقادی - انقلابی و ما در مقابل ظلم ایستاده‌ایم» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۲۲۹).

بعد دیگری از هستی‌شناسی دفاع مقدس از منظر امام خمینی (ره) معطوف به علت‌کاوی جنگ تحمیلی و تبیین علل و عوامل آغاز تجاوز و تحمیل جنگ بر ایران است. در این راستا، طیف متنوعی از علت‌ها اعم از علل و عوامل سیاسی، روحی - روانی، ژئوپولیتیک و غیره از سوی ایشان برشمرده شده است که ذیلاً به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

تحریک ابرقدرت‌ها بویژه آمریکا: از نظر امام (ره) تحمیل جنگ بر ایران اقدامی



برونزا و محصول نقش‌آفرینی بازیگران منطقه‌ای برای تأمین منافع قدرت‌های ناهمسوی فرامنطقه‌ای بوده است. لذا از همان روزهای آغازین جنگ تحمیلی نوک پیکان توجه امام به سوی آمریکا و تحریکات آن برای آغاز تجاوز نشانه رفت. ایشان بارها در این زمینه فرمودند:

«این صدام حسین است که به واسطه تحریک آمریکا به ما تجاوز کرده است» (تبیان، ۱۳۸۳: ۴).

«صدام را وادار کردند که او هم به خیال خودش یکی دو هفته بیشتر لازم نبود تا اینکه ایران را قبضه کند» (تبیان، ۱۳۸۳: ۱۱).

«آنچه تاکنون از انگیزه صدام بعثی و حزب بعث عراق بر روشن‌بینان نباید مخفی باشد آن است که ابرقدرتان جنایتکار و خصوصاً آمریکا در این انقلاب به این نتیجه رسیده‌اند که انقلاب اسلامی ملت ایران با سایر انقلاب‌های غیرالهی فرق اساسی دارد و رمز پیروزی شگفت‌انگیز آن را پس از تجزیه و تحلیل در اسلام راستین یافتند... لذا هرچه از انقلاب گذشت بر توطئه‌هایشان برای سقوط اسلام این رمز الهی برجیده شدن دستگاه‌های ستمگران و چپاولچیان افزایش پیدا کرد و در بین حکومت‌های منطقه حکومتی را که صد درصد با اسلام مخالف و در سرکوبی آن مصمم است جز حزب بعث عراق و شخص صدام نیافتند و او را با وعده فتح و پیروزی و امید چیره شدن بر اسلام با بهانه‌ای ابلهانه به این دام انداختند» (تبیان، ۱۳۸۳: ۱۹).

«ایران که خواسته است از هر جهت با این شیطان بزرگ قطع رابطه کند امروزه گرفتار جنگ‌های تحمیلی است. آمریکا عراق را وادار نموده است خون جوانان ما را بریزد» (تبیان، ۱۳۸۳: ۲۴).

مقابله با انقلاب اسلامی: به باور امام خمینی (ره) یکی از انگیزه‌های متجاوزان برای تحمیل جنگ بر ایران، ریشه در ماهیت اسلامی انقلاب داشت که سنگ بنای استقلال کشور و رهایی از یوغ استثمارگران را بنیان نهاد. چنانکه در اینباره فرمودند: «ذکر این مسأله ضروری است که درگیری‌های غرب کشور عزیز ما درگیری‌هایی است از جانب آمریکا که گروه‌های از خدا بی‌خبر وابسته هر روز ما را با آن مواجه



کرده‌اند و این به محتوای انقلاب اسلامی ما مربوط می‌شود که بر پایه استقلال واقعی بنا گشته است» (تبیان، ۱۳۸۳: ۱۷).

اسلام ستیزی: به عقیده امام خمینی (ره) ماهیت ظالم ستیز و مظلوم پرور دین مبین اسلام و آغاز استقرار و اجرای آموزه‌های آن در ایران که می‌توانست به سرایت شعله‌های دین‌خواهی به سایر کشورهای منطقه بیانجامد، انگیزه‌ای برای متجاوزان گردید تا در اقدامی پیشدستانه و برای ریشه‌کن کردن اسلام به ایران هجوم بیاورند. ایشان در این زمینه فرمودند: «مسئله ما مسئله مکتبی است مسئله دلخواهی نیست ما سر اسلام دعوا داریم... یک نفر آدم و حزبی که اسلام را مخالف همه چیز خودش می‌داند و با تمام قوا اگر دستش برسد می‌گوید اسلام را، ما با او می‌توانیم مصالحه کنیم؟... همه ملت ما اسلام را می‌خواهند مقصد آنها هم یک مقصد ضداسلامی است. اسلام و ضد اسلام نمی‌شود با هم تفاهم کنند» (تبیان، ۱۳۸۳: ۱۸).

«همین جنگ تحمیلی را درست کردند نقشه‌ای که صهیونیست‌ها دارند عملی بشود از یک طرف نگذارند اسلام- در این- تحقق پیدا کند» (تبیان، ۱۳۸۳: ۲۱).

بهای استقلال خواهی ملت ایران: امام خمینی (ره) در شمارش دلایل شروع تجاوز صدام به ایران، جنگ را تاوان استقلال‌طلبی مردم ایران معرفی کردند و دفاع مقدس را مظهر کنش دفاعی و به حق مردمی برای پاسداشت استقلال خویش دانستند و بیان داشتند:

«جرم ملت مسلمان ما جز این نیست که می‌خواهد دست قدرت‌های بزرگ از خزاین او و از ملت کوتاه و خودش حکومت اسلامی داشته باشد... و به همین جرم مورد مؤاخذه ابرقدرت‌ها و تجاوز پیوندهای پوسیده به ابرقدرت‌ها شد» (تبیان، ۱۳۸۳: ۱۸).

داعیه کشورگشایی و ملاحظات ژئواکونومیک: گاهی طمع‌ورزی زمامداران برای گسترش حوزه سرزمینی و نادیده‌انگاری حقوق مسلم ملت‌های دیگر باعث آغاز تجاوز به دولت‌های دیگر می‌شود. این نکته در تحلیل علل شروع جنگ تحمیلی از نظر امام خمینی (ره) دور نماند، چنانکه با اشاره به همین عامل بیان داشتند:



«دولت صدام، دولت غاصب صدام، بدون یک عذر موجهی در بین تمام دول عالم بدون اطلاع و بدون سابقه با دریا و هوا و زمین هجوم کرد بر ایران و به خیال خودش می خواست کشورگیری کند» (تبیان، ۱۳۸۳: ۴).

امام(ره) در فرازی دیگر با اشاره به ملاحظات ژئواکونومیک و نقش آن در آغاز هجوم به ایران فرمودند: «او(صدام) با این مقصد شیطانی تصمیم داشت هرچه زودتر خوزستان را تصرف نموده و با در دست داشتن منابع بزرگ نفتی و حمایت قدرت های جهانخوار، منطقه را به آتش و خون بکشد» (تبیان، ۱۳۸۳: ۳۶).

سوء محاسبه و ناآگاهی دولتمردان عراق از وضعیت ایران: در عرف روابط بین الملل بسیار اتفاق افتاده که برخی دولتمردان با عدم درک دقیق و درست شرایط رقبا و کم توجهی به منابع بالقوه و بالفعل قدرت ملی و بی اعتنایی به ظرفیت بسیج آن، مرتکب اقدامات تجاوزگرانه ای می شوند که گذشت زمان سوء محاسبه آنان را آشکار می سازد. تحمیل جنگ از سوی صدام به ایران از مصادیق بارز چنین خطاهای تحلیلی است. امام(ره) با اشاره به این موضوع فرمودند:

«صدام گمان می کرد که با یک مملکت آشفته که منزوی شده است و همه دولت ها پشت به او کرده اند یا او را در فشار اقتصادی گذاشته اند طرف شده است و ما نه قوای نظامی داریم و نه انتظامی داریم و نه ساز و برگ جهاد و جنگ. او همچون گمان می کرد تا چند ساعت تهران را هم فتح خواهد کرد او غافل از خدا بود» (تبیان، ۱۳۸۳: ۳۳).

حب نفس و خودخواهی: امام(ره) متأثر از مشرب عرفانی خویش، در شمارش علل شکل گیری منازعه و جنگ به عنصر نفس پرستی و خودخواهی بشر نیز توجه نموده و آن را سرمنشأ جنگ طلبی و نهادینه شدن خوی ستیزه جویی معرفی کرده اند. ایشان در این زمینه می فرمایند:

«اساس این گرفتاری هایی که بشر به آن مبتلاست، از زمان آدم صفی الله تا امروز تا روز حشر، آنکه بشر به آن مبتلاست و اساس تمام فسادها و جنگ ها و ظلم ها و تعدی ها و تجاوزها بر آن محور است، اساسش حب نفس است» (جنگ و دفاع، ۱۳۸۷: ۳۱).

یکی از مسائلی که هستی‌شناسی دفاع مقدس از منظر امام خمینی (ره) را نشان می‌دهد موقعیت جنگ در مدار تصمیم‌گیری و منزلت آن در بین تصمیم‌گیرندگان اصلی و پشتیبانان واقعی یعنی مردم است که نظر به جایگاه اساسی آن در صیانت از اسلام، انقلاب و ایران، امام بر مرکزی بودن آن اصرار داشتند و بارها تأکید کردند که نباید هیچ مسأله‌ای کانونی بودن جنگ در فکر و عمل مردم را تحت الشعاع قرار دهد. در این رابطه فرمودند:

«مسأله جنگ دفاعی که در رأس امور است و ملت متعهد کمک به آن را برای خود یک امر لازم می‌داند و دولت در رابطه با آن حقاً تمام کوشش خود را می‌کند، لکن تذکر و تکرار در امور مهم، لازم است» (تبیان، ۱۳۸۳: ۹۷).

«از ملت عزیز و خصوص دست‌اندرکاران و قوای مسلح می‌خواهم که هیچ امری آنان را از جنگ تحمیلی اغفال نکند و جنگ را سرلوحه همه امور قرار دهند که دست‌های خیانت‌کار برای انصراف آنان از جنگ در کار است» (تبیان، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

«امروز مسأله اصلی کشور چنانکه معلوم است جنگ است دفاع از اسلام و کشور اسلامی است» (تبیان، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

هستی‌شناسی کارکردگرایانه عرفان‌محور از جنگ تحمیلی: یکی از ابعاد هستی‌شناسانه دفاع مقدس از منظر امام خمینی (ره) که آن را علیرغم پیامدهای خسارت بار و دهشت‌زا، واجد بار معنایی مثبت می‌سازد، عنایت به کارکردهای مثبت و سازنده آن از نظر سیاسی، اجتماعی، نظامی و معنوی است. البته نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که در هستی‌شناسی دفاع مقدس از دیدگاه امام صرفاً کارکردهای مثبت با معیارهای این جهانی مورد اهتمام قرار نمی‌گیرد بلکه رویکرد کارکردگرایانه ایشان نیز چندوجهی و آمیخته به وجوه دینی، عرفانی و معنوی است. از این رو در کنار کارکردهای سیاسی، اجتماعی و نظامی، کارکردهای معنوی و عرفانی دفاع مقدس نیز در آرای امام از برجستگی بالایی برخوردار است.

در منظومه هستی‌شناسی دفاع مقدس از منظر امام خمینی (ره) کارکردهای سیاسی جنگ عبارت از ایجاد بازدارندگی پایدار از طریق اثبات توانمندی ایران



(تبیان، ۱۳۸۳: ۶۴۷-۶۴۶)، تثبیت انقلاب و صدور آن (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۴۶-۶۴۸)، روسیاهی دشمن در جنگ (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۴۲)، رسوایی جهانخواران به وسیله جنگ (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۴۳)، افشای ادعاهای صدام (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۴۴)، افشای چهره آمریکا (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۴۴)، تقویت اتحاد ملت، ارتش و ملت (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۵۶ و ۶۵۷) و بسیج همگانی ملت (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۵۸) بیان شده است.

از زاویه اجتماعی، کارکردهای اجتماعی جنگ شامل ارتقای ظرفیت تحمل ملی (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۵۴)، تحرک بخشی و رخوت‌زدایی (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۵۰)، شجاعت پروری (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۵۰)، تقویت روح تعاون در ملت، مهربانی و همدلی آنان (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۶۱)، ایجاد و تقویت انسجام عمومی و همبستگی ملی (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۵۹-۶۶۰) نیل به خودباوری و اتکا به توان ملی (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۳۷-۶۳۶) و پرورش و شکوفایی استعدادهای مردمی (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۳۷) بیان شده است.

علاوه بر آن، از منظر روحی و معنوی نیز کارکردهای دفاع مقدس در بیانات امام آمده است که بارزترین آنها عبارتند از: الهی شدن ملت و تحول معنوی آنها (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۵۲)، رهایی از انحطاط فرهنگی (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۵۳)، پرورش روحیه شهادت‌طلبی (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۵۳)، معنویت‌افزایی و ارتقای دین باوری، باطل ستیزی و کسب رضایت الهی (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۵۴) و راه رسیدن به لقاءالله (جنگ و دفاع، ۱۳۸۷: ۴۷).

و در نهایت از زاویه نظامی و تکنیکی نیز کارکردهای جنگ مدنظر امام خمینی (ره) قرار گرفت. در این بُعد، ایشان به موضوعاتی همچون کسب تجربه و آموزش‌های عملی (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۳۵)، رشد صنایع نظامی در دوران جنگ (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۴۱)، افزایش ظرفیت اختراع و پیشرفت (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۴۰) و دستیابی ملت به پیشرفت‌های دفاعی مدرن در دوران جنگ تحمیلی (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۳۶) اشاره نمودند.

هستی‌شناسی معناگرای دفاع مقدس

هستی‌شناسی دفاع مقدس در آرای امام(ره) از صفت معناگرایانه برخوردار است و همین معناگرایی، ممیز هستی‌شناسی ایشان از دیگران و نیز مبین رویکرد دینی و عرفانی ایشان است. برای برجسته‌سازی تلقی معناگرایانه، ابتدا ایشان جنگ‌ها را به دو دسته جنگ‌های شیطانی یا طاغوتی و توحیدی مقوله‌بندی می‌کنند و سپس با فراتر رفتن از صورت و ظاهر جنگ‌ها که با هم متشابه هستند به معناکاوی پرداخته و اصالت را به معنا می‌دهند. امام در این رابطه می‌فرمایند:

«در دنیا همه فسادها و همه جنگ‌هایی که در عالم تحقق پیدا می‌کند به دست ابرقدرت‌ها همه جنگ‌های شیطانی و طاغوتی است. در جنگ‌ها هم جنگ طاغوتی است و جنگ توحیدی. جنگ‌هایی که پیغمبرها می‌کردند اولیا می‌کردند مؤمنین می‌کردند برای این بود که اشخاص سرکش را از آن سرکشی‌ها برگردانند و تأدیب کنند این جنگ جنگ الهی است و آن جنگ‌هایی که برای احراز مقام است برای به دست آوردن قدرت است، برای تحمیل بر جامعه‌هاست، برای جنایتکاری این ابرقدرت‌هاست یا هر قدرتی، این جنگ‌ها جنگ‌های ابلیسی است و جنگ‌های طاغوت است» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۱۷۳).

ایشان با صراحت بیشتری در فرازی دیگر می‌فرمایند:

«صورت اعمال همیشه شبیه به هم است، ظاهر عمل از یک فاجر فاسد ظاهر بشود یا کافر ظاهر بشود و از یک مؤمن موحد یا از یک ولی خدا، ظاهر یکی است. شمشیری که ابن ملجم می‌کشد و بهترین خلاق‌الله را شهید می‌کند با شمشیری که بهترین خلاق‌الله می‌کشد و عدو‌الله را اعدام می‌کند در صورت یکی است، شمشیر است و قدرت عمل است و کشتن آن طرف یا شهید کردن آن طرف. اما آنچه که ممتاز می‌کند این دو عمل را از هم و همه اعمال صادره از بشر به واسطه او ممتاز می‌شود آن عبارت است از غایات اعمال است، انگیزه‌های اعمال است» (صحیفه نور، ۱۳۷۹، ج ۲۰: ۲۰۲-۲۰۳).



ایشان در مناسبتی دیگر با اشاره به مضمون فوق بیان داشتند:

«جنگ علی بن ابیطالب با جنگ معاویه ماهیتاً فرق دارد، ذاتاً فرق دارد، یکی شمشیر می‌کشد و ظل‌الله است، ظل خداست، یکی شمشیر می‌کشد و ظل شیطان است، ماهیتاً این دو تا با هم فرق دارند» (جنگ و دفاع، ۱۳۸۷: ۴۳).

در جایی دیگر می‌فرمایند:

«آنها که داوطلب برای جنگ‌ها هستند، داوطلبی‌شان برای شیطان است، آنها هم داوطلب می‌شوند شما هم داوطلب هستید. لکن فرق هست ما بین داوطلبی و ایثار شما با داوطلبی و ایثار منحرفین. آنها برای رسیدن به دنیا و برای رسیدن به آمال و شهوات نفسانی وارد می‌شوند در میدان‌ها و شما برای شهادت و برای رسیدن به لقاءالله وارد می‌شوید» (صحیفه نور، جلد ۱۶، ۱۹۹).

«فرق ما بین شما عزیزان و آن اشخاصی که در جبهه‌ها جنگ می‌کنند، با آنهايي که در مقابل شما هستند، صورت عمل که یک صورت است، آنها می‌کشند شما هم می‌کشید، اما کشتن شما یک عمل عبادی است و کشتن آنها یک عمل جنایی است. این روی‌انگیزه‌ای است که هست، روی معنایی است که این دو عمل دارند، نه روی صورت عمل است. شما برای خدا جهاد می‌کنید، آنها برای شیطان جهاد می‌کنند» (تبیان، ۱۳۸۳: ۷۶).

متعاقب تمییز صورت و معنای جنگ، امام(ره) با توجه به رویکرد معناگرایی خود، به اصالت‌بخشی معنا پرداخته و با رویکردی عرفانی زنجیره‌های هم‌ارزی از معانی و وجوه مثبت جنگ را برجسته نمودند تا این پدیده به ظاهر منفی و خسارت‌بار معنایی دلنشین و جذاب بیابد و از این طریق مسیر برای بسیج داوطلبانه نیروهای مردمی و وظیفه هموار شود. در این راستا در هستی‌شناسی دفاع مقدس امام از جنگ با اصطلاحات و مفاهیم مثبت مثل خوب، خیر، برکت، رحمت، نعمت، تحفه الهی، شکوهمند و پر عظمت و دارای ثمر یاد شده است. چند نمونه از گفته‌های ایشان ذیلاً می‌آید:

«از جنگ خسته نشوند مردم، جنگ یک چیز خوبی است. البته ما پیشقدم نیستیم، لکن حالا که به ما تحمیل شده است، این یک آثار بزرگی دارد برای نهضت

ما» (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۴۳).

«هرچند جنگ و دفاع از حق و میهن زحمت‌ها و خسارت‌ها دارد و جوانان پرارزش را از ما گرفت و جنگ‌زدگان مظلومی را آواره و بی‌خانمان کرد لکن به خواست خدای منان محتوای پر عظمت و شکوهمندی داشت» (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۴۶).

«جنگ در عین حال که ناگوار بود و شهرهای ما را خراب کرد، ولی برکاتی داشت که اسلام به دنیا معرفی شد و اینکه چه اشخاصی و قدرت‌هایی در مقابل اسلام ایستادند و چه کسانی از اسلام می‌ترسند و چه قدرت‌هایی علیه اسلام قیام کردند همه اینها در جنگ معلوم شد» (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۴۸).

«هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره‌جسته‌ایم» (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۴۸).

«این جنگ پیش آمد و یک سال و نیم تقریباً طول کشیده است و ثمرات بزرگی برای ما داشته است که اول غافل بودیم و کم‌کم متوجه شدیم» (تبیان، ۱۳۸۳: ۶۵۰).

امام (ره) در فرازی دیگر با اشاره به آثار و ماهیت جنگ‌های صدر اسلام و وجود مظاهر رحمت در آنها بیان داشتند:

«همان جنگ‌هایی که پیغمبر اکرم (ص) می‌کردند یا تحمیلی بوده و یا گاهی وقت‌ها هم اتفاق افتاده که ابتدایی بوده است همان‌ها هم آثار رحمت الهی بوده است برای اینکه دنبال تهذیب یک ملت‌ها آنهایی که تهذیب بردارند باید تهذیب بشوند آنهایی که مانع از تهذیب ملت‌ها هستند باید از سر راه برداشته شوند این یک رحمتی است صورتش را انسان خیال می‌کند که کشتار است لکن واقعش بیرون کردن یک موانعی از سر راه انسانیت است» (جنگ و دفاع، ۱۳۸۷: ۲۰-۱۹).

ایشان در مناسبتی دیگر از مواضع خود درباره رحمت بودن جنگ به شعار جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم به آیه ۱۹۳ سوره بقره استناد نموده و فرمودند:

«بنابراین غلط فهمی است از قرآن که کسی خیال کند که قرآن نگفته است "جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم" قرآن گفته است بالاتر از این را گفته اسلام هم گفته است و بالاتر از این را گفته است. و رحمت است این، نه این است که نغمتی



بر مردم است، یک رحمتی است بر تمام بشر که خدای تبارک و تعالی مردم را دعوت به مقابله کرده است نه این که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد زحمتی برای مردم ایجاد کند، می‌خواهد رحمت درست کند، توسعه رحمت می‌خواهد عنایت کند» (جنگ و دفاع، ۱۳۸۷: ۲۲)

با تلقی معناگرا و عرفانی امام از دفاع مقدس، جنگ واجد تعریف مثبت می‌شود چون کنشی برای انجام اطاعت خدا تلقی می‌گردد و از این رو همیشه کنشی پیروزمند و شکست‌ناپذیر است. به بیان امام خمینی (ره) «... پیغمبر در بعضی جنگ‌ها شکست می‌خورد، شکست خورد در بعضی جنگ‌ها. حضرت امیر در جنگ با معاویه شکست خورد حضرت سیدالشهدا را کشتند اما اطاعت خدا بود، برای خدا بود، تمام حیثیت برای او بود، از این جهت هیچ شکستی در کار نبود» (جنگ و دفاع، ۱۳۸۷: ۹۳).

در مناسبتی دیگر امام خمینی (ره) جنگ را ابزار و وسیله‌ای برای کسب رضایت الهی دانسته و فرمودند:

«فرق است مابین ایده شماها و دشمن‌های شما، آنها برای قدرتمندی، برای نمایش قدرت، برای شیطان، با اسلام به جنگ برخاستند و شما برای خدا و برای رضای خدا و برای قوت دادن به اسلام و پیاده کردن احکام اسلام به دفاع برخاستید... شمايي که با آغوش باز و با روی گشاده به طرف الله و به طرف لقاالله و به طرف شهادت می‌روید پیروز هستید چه در میدان جنگ پیروز بشوید و می‌شوید و چه خدای نخواسته - شکست بخورید و نخواهید خورد» (تبیان، ۱۳۸۳: ۴۶).

به باور امام خمینی (ره) جنگ نه تنها ابزار تحقق بندگی و نیل به تقرب به خداوند تلقی می‌شود، بلکه راهی برای اصلاح مردم و رهایی آنان از قید و بندهای دنیایی نیز هست و وقتی چنین کارکردی می‌یابد برای دین‌باوران امری مطلوب و خواستنی به شمار می‌آید. با همین رویکرد، ایشان فرمودند:

«سیدالشهدا - سلام الله علیه - وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی، جائری در بین مردم دارد حکومت می‌کند تصریح می‌کند حضرت که اگر کسی ببیند

که یک حاکم جائری در بین مردم حکومت می‌کند، ظلم دارد به مردم می‌کند باید مقابله بايستد و جلوگیری کند هر قدر که می‌تواند با چند نفر با چندین نفر که در مقابل آن لشکر و بساط، هیچ نبود. لکن تکلیف اینطور می‌دانست که باید قیام بکند و خودش را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند» (جنگ و دفاع، ۱۳۸۷: ۲۴).

امام با فراتر بردن معنای جنگ از منازعه خشونت‌آمیز بین دولت‌ها بر سر منافع تخصم‌آمیز این جهانی، تعریف معنوی و عقیدتی از آن می‌کند و آن را مرحله‌ای از جنگ بی‌وقفه و پایان‌ناپذیر حق و باطل و رسالت همیشگی حق باوران برای دفاع از جبهه حق و پشتیبانی مستمر از آن می‌شناساند. چنانکه می‌فرمایند:

«جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما برای ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد» (تبیان، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

فرازی دیگر از هستی‌شناسی جنگ تحمیلی از منظر امام(ره) از موضعی معنوی و با برجسته کردن فیوضات و شیرینی‌های وصل به مقام قرب الهی و نیل به مراتب فوز عظیم شهادت به بیان لذت‌های معنوی و روحی حاصل از جنگ اختصاص دارد. از این منظر، تلخی‌ها و سختی‌های جنگ در برابر شادمانی‌های معنوی رنگ می‌بازد و نه تنها قابل تحمل بلکه خواستنی می‌شود. چنانکه فرمودند:

«جوان‌های ایران با انگیزه دارند خودشان را به جبهه می‌رسانند و شهادت را فوز عظیم می‌دانند. این شهادت را فوز عظیم دانستن نه از باب اینکه کشته شدن است، خوب کشته شدن، طرف ما هم کشته می‌شود، از باب این است که این انگیزه برای اسلام است. وقتی انگیزه برای اسلام شد، دیگر لذت دارد نه غم، منتها ما چون ناقص هستیم و نرسیدیم به آن مقامی که باید برسیم، از این جهت تلخی داریم. ما البته تلخی‌ها داشتیم به حسب این وضع روحی‌ای که داریم. از ما اشخاص بزرگ شهید شده است به دست اشخاص پلید و خانوارها، خانواده‌ها، اطفال الآن دارند کشته می‌شوند و این برای ماسخت است برای ما



دشوار است لکن وقتی انگیزه اعمال را ملاحظه کنیم و غایات اعمال را ملاحظه کنیم... برای ما سهل می‌شود یعنی خوف از بین می‌رود تلخی مبدل به لذت می‌شود ناگواری تبدیل به گوارایی می‌شود... این اسباب این می‌شود که هیچ تلخی ما در دنیا نبینیم مگر آن چیزی که مخالف اسلام است. آنی که مخالف اسلام است برای ما تلخ باشد و آن چیزی که برای اسلام است برای ما شیرین باشد» (تبیان، ۱۳۸۳: ۷۸-۷۷).

بدین ترتیب حضرت امام خمینی (ره) با نگرش ژرف عرفانی و معناگرا به دفاع مقدس با عبور از صورت و «ظاهر» جنگ که آسیب‌زا و زیان‌بار است و نیل به معنا و «باطن» آن که مشحون از برکات و رحمت‌های واسعه الهی است، جنگ را یک «تحفه الهی» می‌داند و به صراحت اعتراف می‌کند که ما از این تحفه الهی غافل بودیم (وصیت نامه امام خمینی، ۵۹).



خاستگاه هستی‌شناسی دفاع مقدس از دیدگاه امام خمینی (ره)

همانگونه که پیش از این گفته شد، هستی‌شناسی‌های جزئی پدیده‌های اجتماعی، ریشه در منظومه هستی‌شناسی کلان اندیشه‌ورزان دارد. هرگونه تعریف، تفسیر، توصیف و تبیین امام خمینی (ره) از دفاع مقدس به مثابه امری جزئی، برآمده از فهم جایگاه هستی، خالق، انسان و رابطه آنها با یکدیگر است. اینکه چرا بار معنایی مثبت جنگ و فهمی مطلوب از آن بر وجه منفی و ابعاد و پیامدهای خسارت‌بار آن پیشی می‌گیرد و برجستگی می‌یابد، ریشه در مبادی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی امام خمینی (ره) دارد. در این بخش از نوشته، دلایل و خاستگاه هستی‌شناسی معناگرای امام خمینی (ره) در جنگ تحمیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد که با استناد به کدام مبنای فکری و معرفتی، جنگ به مثابه سمبل خشونت و قساوت و عامل خسارت‌های تحمل‌ناپذیر انسانی و مالی، پدیده‌ای نه تنها قابل تحمل بلکه عامل ارتقای معنوی و روحی بندگان خدا و راه نیل به وصال حق و کسب رضایت الهی و مسیر طاعت و بندگی خداوند شناخته

می‌شود. به باور نگارنده، چنین هستی‌شناسی معناگرا را در پرتو هستی‌شناسی کلان امام خمینی (ره) و منظومه انسان‌شناسی ایشان می‌توان توضیح داد. در این قسمت، خاستگاه‌های معرفتی هستی‌شناسی دفاع مقدس از نگاه امام (ره) بررسی می‌شود.

دوگانگی صورت و معنا در منظر امام خمینی (ره)

امام به مثابه دانشمند دینی که نگاه عرفانی بارز در رویکردهای ایشان برجسته است، در همه امور هستی، نوعی دوساحتی و دوجہانی بودن بین صورت و معنا قائل هستند و در این دوآلیسم، اصالت را برای معنا قائل می‌شوند. این رویکرد در فرازهای مختلفی از اندیشه ایشان تبلور یافته است. امام (ره) حتی درباره قرآن کریم با صراحت بدین موضوع توجه نموده و فرموده‌اند: «عارف کامل کسی است که همه مراتب را حفظ کند... ظاهر و باطن کتاب را قرائت کند و در صورت و معنایش، تفسیر و تأویلش تدبیر نماید، که ظاهر بدون باطن و صورت بدون معنا پیکری است بدون روح و دنیایی بدون آخرت. همانگونه که باطن را جز از رهگذر ظاهر نمی‌توان بدست آورد و کسی که فقط ظاهر را بگیرد و در آنجا توقف کند در رد آن است... و کسی که فقط راه باطن را بگیرد و بدون آنکه به ظاهر نگاه کند خودش را از صراط مستقیم گمراه و دیگران را نیز گمراه خواهد نمود» (خمینی، ۱۳۷۴: ۹۹-۹۸)

امام خمینی (ره) که همواره در آثار اخلاقی و عرفانی خود به اخلاق و عرفان عملی توجه ویژه‌ای نموده و تلاش کرده‌اند تا نظریه‌های عرفانی را به ساحت عمل و سیر و سلوک و تهذیب نفس بکشانند، (دبیری بیگدلی، ۱۳۷۸: ۷۱) نه تنها در مورد جنگ بلکه در پرتو هستی‌شناسی کلان خود دوآلیسم صورت و معنا را در زمینه‌های دیگر نیز بازنمایانده‌اند مثلاً در خصوص نماز می‌فرمایند:

«بدان که از برای نماز غیر از این صورت، معنایی است و غیر از این ظاهر، باطنی است و چنانچه ظاهر را آدابی است که مراعات نمودن آنها یا موجب بطلان





نماز صوری یا نقصان آن گردد، همین طور برای باطن آدابی است قلبیه باطنیه که با مراعات نمودن آنها نماز معنوی را بطلان یا نقصان دست دهد» (خمینی، ۱۳۷۸: ۸) و در بحثی دیگر فرمودند:

«اكتفا نمودن به صورت نماز و قشر آن و محروم ماندن از برکات و کمالات باطنیه آن که موجب سعادات ابدیه بلکه باعث جوار العزه و مرقاه عروج به مقام وصال محبوب مطلق که غایت آمال اولیا و منتهای آرزوی اصحاب معرفت و ارباب قلوب بلکه قره العین سید رسل صلی الله علیه و آله است از اعلا مراتب خسران و زیان کاری است» (خمینی، ۱۳۷۸: ۴) و به طور مشابه با تفکیک صورت و معنا در موضوع هجرت فرمود:

«هجرت صوری و صورت هجرت عبارت است از هجرت به تن از منزل صوری به سوی کعبه یا مشاهد اولیا(ع) و هجرت معنوی خروج از بین نفس و منزل دنیا است الی الله و رسوله» (خمینی، ۱۳۷۸: ۸).

انسان‌شناسی امام خمینی(ره)

یکی از ساحت‌های فکری و معرفتی که تا حد زیادی به درک دریافت مثبت امام(ره) از جنگ تحمیلی کمک می‌کند رویکرد انسان‌شناسی ایشان و تعریف جایگاه او در نظام آفرینش و نسبت او با خالق هستی است. به باور امام خمینی(ره) انسان موجودی دوساحتی و دوبعدی است؛ به گونه‌ای که ساحتی از او جنبه مادی دارد که برجسم او قرار گرفته و ساحت دیگرش جنبه معنوی دارد که در روح او تعبیه شده است و بین این دو ساحت، افتراق و جدایی نیست. در بیان امام آمده است که:

«بدان انسان اعجوبه‌ای است دارای دو نشئه و دو عالم: نشئه ظاهره ملکیه دنیویه که آن بدن اوست و نشئه باطنه غیبیه ملکوتیه که از عالم دیگر است و نفس او که از عالم غیب و ملکوت است دارای مقامات و درجاتی است... و از برای هر یک از مقامات و درجات آن جنودی است رحمانی و عقلائی و ... جنودی است شیطانی

جهلانی... و همیشه بین این دو لشکر جدال و نزاع است و انسان میدان جنگ این دو طایفه است» (خمینی، ۱۳۹۱: ۵).

از منظر امام خمینی (ره) انسان تنها موجودی است که دارای همه مراتب عقلی و مثالی و حسی است و عوالم غیب و شهادت در او نهفته است (خمینی، ۱۳۸۸: ۵). انسان به تنهایی واجد همه مراتب غیب و شهادت است و با آن که ذاتش بسیط است، جامع همه کتاب‌های الهی است (خمینی، ۱۳۸۸: ۱۴۵) و به دلیل این که نفس انسانی دارای مراتب مختلفه، از مرتبه طبیعی تا مرتبه عقلانی است لذا درک چنین موجودی با چنین هویت ذومراتب در غایت صعوبت است (خمینی، ج ۳، ۱۳۸۱: ۹۹). لذا عقول فلاسفه بزرگ و نیز علمای طب و مادیین در شناخت این انسان متحیرند (خمینی، ۱۳۷۷: ۱۱۶).

امام (ره) انسان را در جسم محدود نمی‌بیند بلکه به این نکته توجه داده که خصلت روح در آدمی امری است که خداوند متعال به سبب آن زبان به تحسین خود گشوده است. به اعتقاد امام بدیهی است که انسان موجودی جسمانی نیست بلکه حقیقتش مجرد بودن و دارای نفحه الهی است اما متأسفانه بدلیل اینکه غشاوات و حجابات او را فرا گرفته و اسیر هواهای نفس شده، اثبات این که او حقیقتی است غیرجسمانی نیازمند استدلال و براهین اثبات نفس است (خمینی، ۱۳۸۱: ۴۵). این بدن جسمانی نمی‌تواند مظهر اسم الهی باشد، پس باید که امر دیگری به نام روح یا نفس وجود داشته باشد (خمینی، ۱۳۸۸: ۴۷). انسان به خاطر حجم مادی انسان نیست چرا که این حجم مادی را سایر حیوانات حتی بیشتر از آن را دارند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲۴۵). انسانیت انسان به معنویت انسان است (صحیفه، ج ۸: ۲۶۲).

انسان، عصاره خلقت است و دارای ابعاد و شئون مختلف است به طوری که هم واجد جنبه معدنی، نباتی، حیوانی و هم دارای بعد انسانی است (صحیفه، ج ۳: ۲۱۸ و ج ۴: ۱۸۶-۱۸۵).

فقط انسان در بین همه موجودات است که یک موجود چندبعدی است (صحیفه، ج ۴: ۸) چنین موجودی بین دو حد نامحدود قرار دارد اعجوبه‌ای است که از او



یک موجود ملکوتی ساخته می‌شود و (یا) یک موجود جهنمی شیطانی. (صحیفه، ج ۱۳: ۲۸۵) لذا انسان می‌تواند در دو مسیر رذیلت یا فضیلت بی‌نهایت رشد کند. آدمی به مقامی برسد که مافوق عقل باشد و از جمیع ملائکه مقربین اشرف بشود (خمینی، ۱۳۷۲: ۳۱۰). انسان بر حسب فطرت ذاتی، مخمر به جنود عقل و شناخت کمال مطلق است اما رجوع به طبیعت سبب تنزل انسان از فطرت پاکش می‌شود (خمینی، ۱۳۷۷: ۱۳۰).

به طور خلاصه در دیدگاه امام خمینی (ره)، انسان موجودی است که پیش از هر چیزی بنده خداوند است و در مقابل همه نعمت‌هایی که خداوند به او داده است مسئول است. انسان موجودی است که در ورای حیات خاکی و دنیایی‌اش حیاتی جاودان دارد و اگرچه تلاش وی در این جهان نیز مطلوب است، اما محور اساسی حرکت وی در ارتباط با خدای دو جهان است و دنیایش را مزرعه آخرت می‌داند چون انسان قبل از هر کسی خود را در مقابل خداوند مسئول می‌داند و معیار او کسب رضای خداوند است و میزان اجرای فرمان‌های اوست (قاضی زاده، ۱۳۷۷: ۲۵۱).

از آنجا که طبق دیدگاه امام خمینی (ره) جنگ معبری برای عبور انسان از مسیر اصلاح و کسب رضایت الهی و انجام وظیفه عبودیت و بندگی و نیل به مقام رضای الهی قلمداد می‌شود و رزمندگان و مجاهدان و حاضران در میدان نبرد به فوز عظیم شهادت و مقام قرب نائل می‌شوند، لذا جنگ هموارکننده مسیر بندگی و عشق انسان خداآورد و مجاهد به خدا تلقی می‌گردد و واجد برکات و پیامدهای مثبت معرفی می‌شود. از موضع انسان‌شناسی امام خمینی (ره)، دفاع مقدس راهبر انسان‌ها به مسیر تعالی و کمال و پاره‌کننده ریسمان‌های آلودگی و حجاب‌های ظلمانی و زداینده علاقه به هوس‌های دنیایی و زندان طبیعت و حشتناک هیولایی و پاک‌کننده قلب با حیات جاودان روحانی (خمینی، ۱۳۸۸: ۱۰۱) و رفع حجاب جمال محبوب و رساننده مجاهد به سرمنزل مقصود قرب و وصال است. به تعبیر ایشان اگر دنیا وسیله توجه به حق و رسیدن به دار آخرت، که دارالتشریف است باشد، حجاب‌های ظلمانی به حجب نورانی مبدل می‌گردد و کمال انقطاع آن است

که تمام حجب ظلمانی و نورانی پاره و کنار زده شود تا به مهمانسرای الهی که معدن عظمت است بتوان وارد شد (خمینی، ۱۳۹۰: ۳۲). از منظر امام(ره) می‌توان گفت دفاع مقدس، انسان را از عالم طبع ارتقا می‌دهد تا به حقیقت وجود خود راه پیدا کند و با گذر از جهان ستم‌آباد و نشئه تنگ و تاریک این جهان، حجاب طبع و طبیعت را پاره کند تا به نور و طهارت و کرامت نائل گردد (خمینی، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۴۶) و چون چنین کارکرد معنویت‌افزایی پیدا می‌کند، تحفه الهی، برکت و رحمت، نعمت و لذت، معنا می‌شود.

نتیجه‌گیری

درک هستی‌شناسی دفاع مقدس در آرای امام خمینی(ره) منوط به فهم اضلاع هستی‌شناسی کلان و بالطبع زوایای انسان‌شناسی ایشان است. تحلیل محتوای دیدگاه‌های ایشان نشان می‌دهد که ویژگی ممتاز هستی‌شناسی دفاع مقدس در آرای امام، معناگرایی آن است که از رویکرد دینی و عرفانی ایشان منبعث است. برای نمایش و برجسته‌سازی تلقی معناگرایانه، امام خمینی(ره) با تقسیم‌بندی جنگ‌ها به طاغوتی و توحیدی، از صورت و ظاهر جنگ‌ها که با هم متشابه هستند فراتر رفته و با معناکاوی و غایت‌شناسی آنها به معنا اصالت می‌بخشد.

با چنین تمایزی بین صورت و معنای جنگ و معنای محوری و رویکرد عرفانی، امام(ره) به برجسته‌سازی زنجیره‌های هم‌ارزی از معانی و وجوه مثبت جنگ پرداختند تا معنای مطلوب و تعالی‌بخش این پدیده، جانشین ظاهر منفی و خسارت‌بار آن شود و از این طریق افقی تازه به روی بسیج داوطلبانه نیروهای مردمی گشوده شود. با چنین نگاهی در دایره هستی‌شناسی دفاع مقدس، امام(ره) از جنگ با تعبیر مثبت مثل خوب، برکت، رحمت، نعمت، تحفه الهی، شکوهمند و پر عظمت و دارای ثمر، یاد کرده است.

با تلقی معناگرایانه و عرفان مشرب امام(ره) از دفاع مقدس، جنگ کنشی حامل معنای بندگی و رشته پیوند با حق و نیل به مقام قرب خداست که در هر



حال پیروزمندی و شکست‌ناپذیری بر تارک آن می‌درخشد. به باور امام(ره)، دفاع مقدس نه روشی برای گردنکشی و جاه‌طلبی، نه ابزاری برای تجاوزگری و هیمنه‌جویی بلکه راهی برای بهسازی و اصلاح مردم و رهایی بخشی آنان از محدودیت‌های این جهانی و رسالتی جاودانی برای دفاع از جبهه حق‌مداران است و با چنین کارکردی، برای دین‌باوران امری رضایت‌بخش به شمار می‌آید. بدین ترتیب در منظومه هستی‌شناسی امام خمینی(ره) به شکلی عمیق، عرفانی و معناگرا به دفاع مقدس نگریسته می‌شود و ایشان با فراتر رفتن از صورت و «ظاهر» زیانبار جنگ و توجه به معنا و «باطن» برکت‌افزای آن، جنگ را یک «تحفه الهی» معرفی می‌کنند.



۳۲

سال دوم
شماره ۷
پائیز ۱۳۹۲

منابع

- بتون، تد و کرایب، یان (۱۳۸۴)، **فلسفه علوم اجتماعی**، ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود متحد، تهران: آگه.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۷) **سیاست چیست؟** (تبیین دیدگاه امام خمینی)، **فصلنامه انقلاب اسلامی**، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۱۱-۴۶.
- خمینی، روح الله (۱۳۹۱) **شرح چهل حدیث**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی(ع).
- خمینی، روح الله (۱۳۸۸) **شرح دعای سحر**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ دوم.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۱) **تقریرات فلسفه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۷) **شرح حدیث جنود عقل و جهل**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح الله (۱۳۹۰) **جهاد اکبر یا مبارزه با نفس**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و هفتم.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸) **آداب الصلاه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دیاری بیگدلی، محمدتقی (۱۳۷۸) **جستاری در تأویلات عرفانی امام خمینی(ره)**، **فصلنامه پژوهش های فلسفی - کلامی**، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۵۷-۸۷.
- صادقی فسائی، سهیلا و ناصری راد، محسن (۱۳۹۰) **عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی؛ هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی و روش، مجله مطالعات اجتماعی ایران**، سال پنجم، شماره ۲، صص ۸۰-۱۰۰.
- علیپوریانی، طهماسب و نوری، مختار (۱۳۹۰)، **صورتبندی مدرنیته و پسامدرنیسم؛ معرفت شناسی، هستی شناسی و انسان شناسی، فصلنامه مطالعات سیاسی**، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۲۰۷-۲۳۲.
- قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۷) **اندیشه های فقهی - سیاسی امام خمینی**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- قولسغلی، محمدتقی، (۱۳۸۶) **ویژگی های معرفت شناختی اندیشه در پیشامدرن، مدرن و پسامدرن، پژوهشنامه**



علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۱، صص ۱۱۹-۱۵۷.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹) روش در روش؛ در باره ساخت معرفت در علوم انسانی، تهران: نشر جامعه شناسان.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (۱۳۸۳) دفاع مقدس (جنگ تحمیلی) در اندیشه امام خمینی (س)، تیان، دفتر بیست و پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (۱۳۸۷) جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی (س)، دفتر بیست و چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، (۱۳۸۷)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

هارتمان، نیکلای (۱۳۸۷)، بنیاد هستی شناختی، ترجمه خراسانی، شرف الدین، تهران: انتشارات هرمس.



۳۴

سال دوم
شماره ۷
پائیز ۱۳۹۲